



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

جلسه شصت و سوم؛ سه‌شنبه ۱۳۹۹/۱۰/۲۳ (فقه معاصر - جلسه یازدهم)

شبهه: عدم وجود بعض شروط عوضین در رمزارزها با نگاه فنی

ممکن است کسی اینگونه شبهه کند که هرچند به حسب نگاه سطحی، همه شرایط عوضین در مبادله با رمزارزها موجود است و مانعی ندارد که بیت‌کوین و امثال آن عوض یا معوض قرار گیرند، اما اگر کمی عمیق‌تر شویم و مسئله را به صورت فنی نگاه کنیم، چه‌بسا بعض این شرایط موجود نباشد؛ چراکه رمزارزها در معرض خطر و چه‌بسا بی‌اعتباری صددرصد باشند و احتمال دارد با یک بدافزار یا روش دیگری کلاً یا بخش قابل توجهی از ارزش آنها از بین برود و آسیب قابل اعتنایی وارد شود. بدین جهت می‌توان گفت بیع آنها غرری بوده و روایت شریفه «نهی النبی ﷺ عن بیع الغرر» شاملش می‌شود.

همچنین ممکن است کسی ادعا کند آیه شریفه «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» نیز شاملش می‌شود؛ زیرا رمزارزها هرچند ساختار پیچیده‌ای دارند، اما فقط تعدادی علامت دیجیتالی هستند که هیچ فایده مصرفی ندارند و لذا حداقل طبق مبنای کسانی که می‌گویند مقصود از «بِالْبَاطِلِ» در آیه شریفه این است که عوضین نباید باطل باشند یا مبنایی که می‌گویند مقصود اعم از عوضین یا خود عقد است، آیه شریفه شامل ما نحن فیه می‌شود و اکل مال بازای آن اکل بالباطل است و نظیر این است که کسی شیء بی‌ارزشی که اعتنایی به آن نمی‌شود و هیچ فایده‌ای بر آن مترتب نمی‌شود را مثنی یا ثمن قرار دهد.

به هر حال ممکن است گفته شود اکل مال در مقابل رمزارزها، اکل بالباطل است و این اشکال دایره‌اش گسترده‌تر از اشکالی است که از روایت شریفه نهی از بیع غرر استفاده می‌شود، چراکه نبوی شریف اختصاص به

عقد بیع دارد و بعض نقل‌ها که مطلق غرر مورد نهی قرار گرفته، دارای سند معتبر نمی‌باشد، در حالی که آیه شریفه اعم است و از اکل مال بالباطل تحت هر عنوانی که واقع شود نهی می‌کند. بنابراین نه تنها بیع این رمازرها باطل است، بلکه حکم به بطلان غیر بیع از سایر عقود می‌شود که اکل مال در مقابل آنها بالباطل باشد.

پاسخ به شبهه مذکور

همان‌طور که تبیین شد، در حقیقت در اینجا دو اشکال وجود دارد؛ یکی از جهت استدلال به روایت شریفه «نهی النبی ﷺ عن بیع الغرر» و اشکال دیگر از جهت استدلال به آیه شریفه ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾. در پاسخ به اشکال اول می‌گوییم:

همان‌طور که سابقاً توضیح دادیم «غرر» به معنای **جهالت خطری** است؛ نه خطر تنها یا جهالت تنها و نه مطلق جهالت و خطر، بلکه **جهالت در شیء هنگام بیع**، لذا اگر جهالتی در مقام بیع نباشد مانند اینکه مبیع یا ثمن یک وسیله برقی و یا یک اتومبیل باشد که ندانیم چند سال عمر می‌کند و چه آسیب‌هایی ممکن است بعداً بر آن وارد شود، چنین جهالتی موجب صدق غرر نمی‌شود. در ما نحن فیه - یعنی بیت‌کوین و رمازرهایی که خصوصياتی نظیر آن دارند - نیز **جهالت خطری در مقام بیع** وجود ندارد؛ زیرا این رمازرها محدود هستند و علی‌الغرض هنگام معامله عدّ آنها معلوم بوده و فی‌الجمله قدرت خرید آنها نیز معلوم است و صرف احتمال اینکه ممکن است در آینده آسیبی به این رمازرها وارد شود، همان‌طور که گفتیم موجب غرر نمی‌شود. کما اینکه ممکن است کسی اتومبیلی بخرد ولی شش ماه بعد وسیله‌ای اختراع شود که موجب شود اتومبیل دیگر کارایی عقلایی نداشته باشد یا یک نرم‌افزار کامپیوتری بخرد با اینکه ممکن است در آینده نرم‌افزار بهتری پیدا شود یا سیستم عامل‌ها عوض شود و آن نرم‌افزار اصلاً کار نکند و نظایر این مثال‌ها.

خلاصه اینکه از **حيث معامله، جهالت خطری** وجود ندارد؛ زیرا معلوم است که فلان رمازر را می‌فروشد یا می‌خرد و علی‌الغرض عدّش معلوم است و قدرت خریدش هم حدوداً معلوم است و همین مقدار برای رفع غرر و صحت بیع کافی است، امّا اینکه چقدر عمر می‌کند و چه عوارضی ممکن است بعداً پیدا شود، ربطی به معامله ندارد و مربوط به ذات شیء است که قابل پیش‌بینی نیست.

مضافاً به اینکه به حسب معمول و طبق بررسی‌هایی که انجام دادیم، تقریباً اطمینان حاصل است که

بدافزارها نمی‌توانند آسیبی به این رمزارزها برسانند؛ چراکه متمرکز نیستند و برنامه آنها در شبکه‌ای گسترده در هر واحد مستقلاً موجود است، لذا اگر کسی رمز خودش را در خارج از کامپیوتر حفظ کند و در دسترس دیگران هم قرار ندهد، ولو برای کامپیوتر خودش مشکلی پیدا شود اما می‌تواند با استفاده از کامپیوتر دیگری و با نصب برنامه آن رمزارز، به حسابش دسترسی پیدا کند. بنابراین نمی‌توان از طریق بدافزارها یا راه‌های دیگر، آسیبی به این رمزارزها رساند.

علاوه آنکه اشاره کردیم این مشکل در سایر مبیع‌ها از جمله پول‌های فیزیکی اعتباری نیز وجود دارد؛ مثلاً امروزه به خاطر مسائلی که وجود دارد، قدرت خرید پول ما تقریباً یک سوم شده و چه‌بسا بعضی جاها افت بیشتری هم کرده است و احتمال دارد در جایی اتفاقی بیفتد که پول را کلاً از اعتبار خارج کنند، اما این موجب نمی‌شود که الان معامله این پول‌ها غرری باشد.

بنابراین با توضیحی که دادیم معلوم شد این اشکال که چه‌بسا به ذهن بعضی خطور کند، اشکال غیرقابل اعتنایی است.

آنچه گفتیم از حیث استدلال به روایت شریفه بود، اما از حیث اشکال دوم و استدلال به آیه مبارکه ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ﴾ می‌گوییم:

همان‌طور که توضیح دادیم بیت‌کوین و امثال آن فعلاً مالیت دارند و تعریف مال بر آنها صادق است؛ یعنی ندرت داشته و عقلاً نسبت به آنها رغبت دارند، البته رغبت عقلاً بدون معیار نیست بلکه به خاطر فوایدی است که بر آنها مترتب می‌باشد. بله، در مورد اولین بیت‌کوین‌ها یک شبهه‌ای از جهت مالیت وجود داشت که جوابش را قبلاً بیان کردیم.

اما اینکه گفته شده این رمزارزها فقط یک سری علامات دیجیتالی هستند و هیچ فایده مصرفی ندارند و اگر هم فایده عقلایی داشته باشند، شارع مقدس آن فایده را ردع کرده و در نتیجه اکل مال در مقابل آنها اکل بالباطل است. در جواب می‌گوییم:

فایده حتماً نباید نظیر فوایدی باشد که میوه، نوشیدنی، پوشیدنی و امثال آنها دارد، بلکه همین مقدار که وسیله مبادله بوده و مورد توجه عقلاست، کافی در تحقق مالیت و تصحیح معامله با آنهاست.

إن قلت: بیان مذکور مبتلای به محذور دور است؛ زیرا شما اعتراف دارید که بیت‌کوین و امثال آن هیچ فایده مصرفی ندارند و مالیت آنها به جهت این است که وسیله مبادله می‌باشند و وسیله ذخیره ارزش بودن هم اثری در مرتبه بعد است. پس مالیت مثل بیت‌کوین متوقف بر صحت معامله واقع بر آن است و صحت معامله بر آن هم متوقف بر مالیت است و این دور می‌باشد.

و این دور را هم می‌توان از حیث شرعی تبیین کرد و هم از حیث عرفی. از حیث شرعی می‌گوییم صحت معامله بر مثل بیت‌کوین شرعاً متوقف بر مالیت است و مالیتش هم متوقف بر صحت معامله است شرعاً. و از حیث عقلایی هم می‌توان گفت صحت معامله بر رمزارزها نزد عقلاً متوقف بر مالیت است و مالیت هم متوقف بر صحت معامله است.

قلت: ابتدا از بیان عقلایی دور جواب می‌دهیم و جواب بیان شرعی هم از آن روشن می‌شود. آنچه ما برخلاف السید الامام و السید الخویی رحمتهما پذیرفتیم این بود که صحت «عقد بیع» نزد عقلاً متوقف بر مالیت است و عوض و معوض آن هر دو باید مالیت داشته باشد، اما صحت برخی معاملات متوقف بر مالیت نیست. پس ما قبول داریم که صحت بیع حتی نزد عقلاً متوقف بر مالیت است، اما عکسش را قبول نداریم که مالیت متوقف بر صحت بیع باشد، بلکه متوقف بر آن است که عقلاً حاضر باشند در مقابل آن شیء تحت هر عنوانی ولو مثل مصالحه یا اباحه به عوض، یک کالا یا خدمت مفیدی ارائه بدهند. و رمزارزها نیز چنین هستند و در رتبه قبل از بیع مالیت دارند؛ چراکه عقلاً حاضر به ارائه کالا یا خدمت مفیدی در مقابل آنها هستند. پس مالیت در رتبه قبل محقق است و در رتبه بعد بیع درست می‌شود و در نتیجه اصلاً دوری لازم نمی‌آید.

و **إن شئتم قلتم** همین که رمزارزها شأنیست مبادله را داشته باشند؛ به این معنا که عقلاً حاضر باشند در مقابل این علامات کالا یا خدمت مفیدی ارائه بدهند، کافی در این است که مبادله رخ بدهد و وقتی مبادله رخ داد، بالفعل مال می‌شوند و لازم نیست در مرتبه قبل مال باشند. برای تقریب مطلب می‌توان اینگونه مثال زد که اگر کسی چیزی را در ذمه دیگری مالک باشد، می‌تواند آن ذمه را به فرد دیگری بفروشد؛ مثلاً اگر زید مالک یک تن گندم در ذمه عمرو باشد، می‌تواند آن را به بکر بفروشد. در حالی که عمرو مالک ذمه خودش نیست و اصلاً کسی نمی‌تواند مالک ذمه خودش شود و الا همه افراد مستطیع می‌شدند و حج بر آنها واجب می‌شد و باید خمسش را می‌دادند و سایر احکام. پس هیچ کس مالک ذمه خودش نیست اما در عین حال می‌تواند چیزی را

در ذمه خودش بفروشد. قبل از بیع هیچ چیزی وجود دارد؛ نه مال و نه ملک به معنای خاص، ولی وقتی عمرو یک تن گندم را در ذمه به زید می‌فروشد که یک سال دیگر تحویلش بدهد، به مجرد اینکه این بیع واقع شد، ذمه عمرو هم مال می‌شود و هم ملک. مال نسبت به همه و ملک نسبت به خریدار یعنی زید. و وقتی مال شد، زید می‌تواند یک تن گندمی که در ذمه عمرو دارد را به فرد دیگری بفروشد.

بنابراین روشن است که بیع ما فی الذمه مانعی ندارد، منتها از جانب مالکش یعنی زید نه از جانب خود عمرو؛ چراکه گفتیم عمرو مالک ذمه خودش نیست. در اینجا نیز ممکن است شبهه دور مطرح شود که تا چیزی مال نباشد بیعش صحیح نیست و نمی‌تواند مبیع قرار گیرد و مال شدن آنچه در ذمه زید است، متوقف بر صحت بیع است و این دور بوده و محال است.

اما همان‌طور که گفتیم صحت چنین بیعی واضح بوده و کسی را سراغ نداریم که در آن اشکال کرده باشد. جواب شبهه هم آن است که اگر ذمه کسی به سبب همین بیع مالیت پیدا کند، کافی است و لازم نیست در رتبه قبل مال باشد. بله، چیزی که در ذمه می‌آید باید قابلیت مال شدن را داشته باشد و الا اگر چیزی این قابلیت را نداشته باشد، مانند چیزی که اصلاً در دسترس نیست - فرضاً گندم کره ماه - بیعش نامعقول است، اما گندم معمولی این قابلیت را دارد که در اعتبار عقلاً بالفعل مال شود و همین مقدار کافی برای صحت بیع است، چنانکه فردی که شیئی به ذمه او می‌آید باید ذمه‌اش به گونه‌ای باشد که قابلیت اداء ما فی الذمه را به نوعی داشته باشد.

پس اینکه چیزی قبل از بیع یا هر معامله دیگری مالیت بالفعل نداشته باشد، مانعی ندارد و همین که قابلیت داشته باشد که به مجرد تحقق بیع مال شود، کافی در اعتبار عقلاست و وقتی مال شد، بیع و سایر عقود می‌تواند بر روی آن انجام شود و دیگر محذور دور لازم نمی‌آید.

خلاصه اینکه دو اشکال در اینجا فعلاً مطرح کردیم که چه‌بسا بعضی‌ها روی آن تکیه کنند؛ یکی اینکه چون اعتمادی به رمازرها نیست و در معرض خطر هستند، لذا بیع آنها غرری بوده و روایت شریفه «نهی النبی ﷺ عن بیع الغرر» شاملش می‌شود. در جواب این شبهه گفتیم غرری در مقام بیع وجود ندارد. بله، نمی‌دانیم آن مبیع چقدر عمر می‌کند و چه آسیب‌هایی ممکن است بعداً پیدا شود، اما این جهالت‌ها موجب غرر در مقام بیع نیست و این تقیصه اگر نگوییم در همه موارد لاقلاً در بسیاری از معاملات وجود دارد و مانعی ندارد.

اشکال دوم اینکه آیه شریفه «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» شامل رمازرها می‌شود؛ زیرا این رمازرها فقط

یک سری علامت دیجیتالی هستند و هیچ فایده مصرفی ندارند، لذا اکل مال یزای آنها اکل بالباطل است. در جواب این اشکال گفتیم حداقل فایده این رمزارزها آن است که وسیله مبادله هستند و این مقدار کافی در مال بودن است.

سپس یک «إن قلت» مطرح شد که صحت بیع متوقف بر مالیت این رمزارزهاست و مالیت آنها نیز متوقف بر صحت بیع است و این دور می‌شود. و این اشکال هم از لحاظ عقلایی قابل تبیین است و هم از لحاظ شرعی که هنوز درباره آن صحبت نکردیم. از لحاظ عقلایی چنین جواب دادیم که فقط در عقد بیع شرط است که عوض و معوض آن هر دو مال باشند، ولی در برخی مبادلات دیگر مالیت شرط نیست. لامحاله چون نقل و انتقال این رمزارزها به روش‌های دیگر ممکن است، لذا همین مقدار کافی در پیدایش مالیت برای آنهاست و در نتیجه مالیت متوقف بر بیع نیست و دیگر دور لازم نمی‌آید و بیع آن هم مانعی ندارد.

جواب دیگر اینکه اصلاً لازم نیست مالیت در رتبه قبل محقق باشد بلکه همین مقدار که چیزی قابلیت مالیت را داشته باشد و با خود بیع بالفعل مال شود کافی است؛ نظیر بیع ما فی الذمه که گفتیم همین مقدار که به خود بیع مال شود کافی است. به تعبیر دیگر آنچه شرط است، قابلیت مال شدن است و این قابلیت متوقف بر بیع نیست بلکه متوقف بر تمایلات، تصمیمات و پذیرش مردم است که خود ناشی از عوامل دیگری می‌تواند باشد.

آنچه گفتیم از لحاظ عقلایی بود، اما از **لحاظ شرعی** که کسی بگوید مالیت این رمزارزها متوقف بر صحت بیع است شرعاً و صحت بیع شرعاً متوقف بر مالیت است و لامحاله دور می‌شود، می‌گوییم: جواب این وجه کاملاً روشن است و آن اینکه صحت بیع شرعاً متوقف بر مالیت شرعی نیست بلکه متوقف بر **مالیت عرفی** است و همین اندازه که چیزی عرفاً مالیت داشته باشد، بیعش شرعاً صحیح است و همان‌طور که تبیین کردیم، این رمزارزها عرفاً مال هستند و در نتیجه اصلاً دوری از حیث شرعی متوهم نیست. بله، نباید مالیت شیء شرعاً الغاء شده باشد، مثل مالیت خمر و خنزیر، و در ما نحن فیه چنین الغایی وجود ندارد.

آنچه در این مبحث از حیث عقد بیع لازم بود مطرح کردیم و یک سلسله بحث‌های دیگر باقی می‌ماند از جمله اینکه احکام بقیه عقود نسبت به این رمزارزها چگونه است. آیا ربا در آنها جاری است؟ آیا می‌توان قرض یا مضاربه با آنها انجام داد؟ و مسائل دیگری از این قبیل.

والحمد لله رب العالمین

تقریر و تنظیم: جواد احمدی